



## Azarshahr Qadamgah Islamic shrine or Parthian shrine?

Saeid Sattarnezhad

Ph.D. Student Archaeology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

---

### Article Info

#### Original Article

Received: 2020/11/24.

Accepted: 2021/01/29.

Published Online 2021/02/03



10.30699/athar.41.1.78

Use your device to scan  
and read the article online



#### Corresponding Author

Saeid Sattarnezhad

Ph.D. Student Archaeology,  
University of Mohaghegh  
Ardabili, Ardabil, Iran

Email:

[saeidsattarnejad@yahoo.com](mailto:saeidsattarnejad@yahoo.com)

---

### ABSTRACT

After the discovery of Iranian rock shrines in recent decades, the nature of these works has always been debated. Very faint and vague traces from the era of the emergence of these surviving works, the possibility of accurate and absolute chronology and absolute use for researchers and enthusiasts of difficult rock works. On the other hand, the rocky and cave nature of these neighborhoods has led most scholars to attribute it to the cult of Mehr; However, no evidence of the seal of worship has been discovered or identified in these sacred spaces. Rock shrines are among the valuable works of Iranian architecture that the nature of use and chronology of these works has always been discussed. In this research, Qadamgah shrine in Azarshahr city has been studied by comparative and historical studies-analysis method and seeks to answer the following questions:<sup>1</sup>. 1. What is the relative chronology of Qadamgah based on archeological and architectural evidence? 2. What was the functional nature of this handicraft space? This research seeks to provide a more acceptable history and function for this shrine through a comparative study and review of some details, while examining and recognizing this sacred space. According to this research, according to the available evidence, this handicraft space is a rock shrine (monastery) related to the Islamic Middle Ages. Accordingly, attributing this area to the ritual of love has been far from the mind. Finally, although the chronology of other rock shrines requires independent research, perhaps the dating and relative use of the Azarshahr Qadamgah rock shrine may pave the way for other similar handicrafts.

**Keywords:** Azarshahr Qadamgah, rock architecture, rock shrines, Islamic period, Mehr shrine

---

Copyright © 2020. This open-access journal is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

---

#### How to Cite This Article:

Sattarnezhad S. (2020). Azarshahr Qadamgah Islamic shrine or Parthian shrine? *Athar*. 41 (1), 92-107

## مقاله پژوهشی

## قدمگاه آذرشهر نیایشگاه اسلامی یا مهرابه اشکانی؟

سعید ستارنژاد\*

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

## خلاصه

## اطلاعات مقاله

پس از کشف نیایشگاه‌های صخره‌ای ایران در چند دهه اخیر، ماهیت این آثار همواره مورد بحث بوده است. ردیابی بسیار کمرنگ و مبهم از عصر پدید آمدن این آثار به جای مانده، امکان گاهنگاری و کاربری دقیق و مطلق برای پژوهشگران و علاقه‌مندان آثار صخره‌ای دشوار کرده است. از سویی دیگر، ماهیت صخره‌ای و غار بودن این محل‌ها بیشتر پژوهشگران را بر آن داشته است؛ که آن را به آینین مهرپرستی نسبت دهند؛ این در حالی است که شواهدی از آینین مهرپرستی در این فضاهای قدسی کشف و شناسایی نگردیده است. نیایشگاه‌های صخره‌ای از جمله آثار ارزشمند معماری ایرانی هستند که ماهیت کاربری و گاهنگاری این آثار همواره مورد بحث بوده است. در این پژوهش نیایشگاه قدمگاه در شهرستان آذرشهر به روشن مطالعات تطبیقی و تاریخی - تحلیلی مورد مطالعه قرار گرفته و به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر است: ۱. گاهنگاری نسبی قدمگاه براساس شواهد باستان‌شناسی و معماری متعلق به چه دورانی است؟ ۲. ماهیت کارکرده این فضای دستکنند چه بوده است؟ این پژوهش در پی آن است که ضمن بررسی و بازنیانسی این فضای قدسی، از طریق مطالعه تطبیقی و بررسی برخی جزئیات، تاریخ و کارکرد قابل قبول‌تر، برای این نیایشگاه ارائه دهد. بر اساس پژوهش حاضر، با مدارک موجود این فضای دستکنند، یک نیایشگاه صخره‌ای (خانقاہ) مربوط به سده‌های میانی اسلامی بوده و به نظر می‌رسد منسوب دانستن این محظوظه به آئین مهرپرستی دور از ذهن بوده است. در نهایت، اگر چه گاهنگاری دیگر نیایشگاه‌های صخره‌ای نیازمند پژوهش مستقل است، شاید گاهنگاری و کاربری نسبی نیایشگاه صخره‌ای قدمگاه آذرشهر بتواند راهگشایی برای دیگر آثار دستکنند مشابه باشد.

دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۴

پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۰

انتشار آنلاین: ۱۳۹۹/۱۱/۱۵

## نویسنده مسئول:

سعید ستارنژاد

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی،  
دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

## پست الکترونیک:

saeidsattarnejad@yahoo.com

## کلیدواژه‌ها: قدمگاه آذرشهر، معماری صخره‌ای، نیایشگاه‌های صخره‌ای، دوران اسلامی، معبد مهر

حق کپی رایت انتشار: این نشریه دارای دسترسی باز، تحت قوانین گواهینامه بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر می‌شود که اجازه اشتراک (تکثیر و بازآرایی محتوا به هر شکل) و انتساب (بازترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می‌دهد.

ستارنژاد سعید (۱۳۹۹). قدمگاه آذرشهر نیایشگاه اسلامی یا مهرابه اشکانی؟. فصلنامه علمی اثر، ۴۱(۱)، ۹۲-۱۰۷.

## مقدمه

Razmjou and Amin Tafreshi, (Razmjou and Amin Tafreshi, 2010), قلعه کوهزاد (Azad, 2005: 60), قلعه کوهزاد (Azad, 2005: 60), قلعه کوهزاد (Alibaigi et al, 2017) ، دکان داود، بیشاپور کازرون محمدآباد دشتستان کندوان و میمند کرمان (Homayoun, 1972)، معبد موساسیر و گوردخمه فخری کا (Raisinia, 1989/1: 415)، بخشی از غار کرفتو در کردستان (Hozhabri, 2018) با آینین مهرپرستی مرتبط گرفته شده است.

نیایشگاه صخره‌ای قدمگاه آذرشهر، جزء نخستین نیایشگاه‌هایی که با عنوان معبد مهرپرستی معرفی شده است (Varjavand, 1976) بر همین اساس این محوطه بستری مناسب برای پی بردن به چیستی و دلایل انتساب این نیایشگاه به آینین مهرپرستی است؛ بنابراین درک صحیح از این مجموعه و تفسیر زمان ایجاد آن در چارچوب گاهنگارانه و تحلیل کاربری فضاهای آن می‌تواند خود رمینه مطالعاتی مناسبی برای تفسیر سایر نیایشگاه‌های منتبه به آینین مهرپرستی در سایر مناطق باشد. با این تفاسیر، این پژوهش در صدد پاسخگویی به دو سؤال بنیادی در رابطه با: گاهنگاری نسبی و زمان ایجاد نیایشگاه؟ و کاربری فضایی آن؟ است. فرضیه‌های مطرح شده در راستای پرسش‌های مطرح شده عبارتند از کاربری به عنوان نیایشگاه اسلامی (خانقاہ، مسجد) و زمان ساخت آن نیز بر اساس مبانی گاهنگاری نسبی که به صورت تطبیقی انجام می‌گیرد، مربوط به بعد از دوره سلوجویی، یعنی ایلخانی می‌باشد که شواهد آن در خود مجموعه دستکنند وجود دارد که در راستای انجام پژوهش حاضر این فرضیات به عنوان نتایج پژوهش اثبات شده است.

## اهمیت و ضرورت پژوهش

پس از کشف نیایشگاه‌های صخره‌ای در ایران در چند دهه اخیر، گاهنگاری و کاربری این آثار همواره مورد بحث بوده است. بهدلیل ماهیت صخره‌ای و غار بودن این محل‌ها بیشتر پژوهشگران را بر آن داشته است که آن را به آینین

از آغاز دهه ۵۰ خورشیدی در بیشتر مواقع معماری صخره‌ای به خصوص فضاهای نیایشگاهی دستکنند را به آینین مهرپرستی منسوب دانسته‌اند. عدمه‌ترین دلیل پژوهشگران در انتساب این فضاهای دستکنند به آینین مهرپرستی قرارگیری نیایشگاه‌های صخره‌ای در دامنه کوه‌ها و مهراوه‌های است که در کشورهای اروپایی، کشف شده‌اند (Rahbar, 2013: 29) در غار و از سنگ متولد شده (Common, 2007: 144) و کشته شدن گاو به دست او در غاری روی داده است (Vermazern, 2004: 81) مکان‌هایی بودند که مهریان برای نیایش مهر از آن‌ها استفاده می‌کردند (Beck, 2006: 102) (Shorthaim, 1992: 113)، سبب شده است؛ که هر فضای معماری که در ایران با این سبک و سیاق پدید آمده را معبد مهری معرفی کنند و این در حالیست که شواهد دیگری که در میترائیوم‌های رومی یافت شده، از این آثار شناسایی نشده است (Labaf Khanaki, 2012: 100-101). با این وجود برخی از محققین ایرانی (Azad, 2005; Varjavand, 1976) در مطالعات خود غارهایی را با عنوان معابد مهری معرفی کرده‌اند که مدارک قابل قبول برای انتساب غارهای فوق به آینین مهرپرستی و دوره شکل‌گیری آن ارائه نکرده‌اند (Sattarnezhad et al, 2018: 79) (Ahmed Hamid Shekari niri, 1993) در مطالعات خود غارهایی را با عنوان معابد مهری معرفی کرده‌اند که مدارک قابل قبول برای انتساب غارهای فوق به آینین مهرپرستی و دوره شکل‌گیری آن ارائه نکرده‌اند (Sattarnezhad et al, 2018: 79) (Ahmed Hamid Shekari niri, 1993) در این فهرست، هر ساختمان، غار، امامزاده و کلیسایی با عنوان نیایشگاه مهری نامیده شده است (Rahbar, 2013: 29)، تاکنون محوطه‌های ایران منتشر کرده معصوم مراغه (Shekari niri, 2019; Varjavand, 1976)، قدمگاه آذرشهر (Varjavand, 1976; Shekari niri, 2020)، مسجد سنگی داراب (Vardjavand, 1975)، ابادر نیر (Shekari niri & Mirfatah, 1996) صور بناب، ویند کلخوران سرعین، غار کوگان لرستان، غار

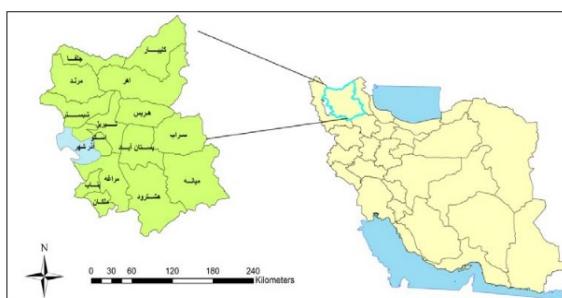
مطالعات خود عموماً ادامه‌دهنده فرضیه ور جاوند پیرامون مهرابه بودن این نیایشگاه پرداخته‌اند و دلایل کافی و تازه‌ای مطرح نکرده‌اند. نگارنده در پژوهش حاضر به ارائه گاهنگاری این نیایشگاه، متفاوت با آنچه تاکنون از آن ارائه شده و ماهیت کارکردی آن پرداخته است.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر به شیوه توصیفی – تحلیلی و تاریخی و گردآوری داده‌ها و اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و بر اساس مطالعات میدانی است. نگارنده امیدوار است با استناد به نتایج حاصل از پژوهش‌های میدانی صورت گرفته در سایر مناطق و همچنین با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای پیرامون معابد صخره‌ای باقی‌مانده از فرهنگ‌ها و مذاهب مختلف، بتوان به پرسش‌های مطرح درخصوص این مجموعه پاسخ منطقی و مستدلی ارائه داد.

### منطقه مورد مطالعه

شهرستان آذرشهر در پهنه جغرافیایی شمال‌غرب ایران در شمال استان آذربایجان شرقی قرار گرفته است. شهرستان آذرشهر از شمال محدود به شهرستان اسکو، از جنوب به عجب‌شیر و از غرب نیز به دریاچه ارومیه ختم می‌شود (Kambakhshfard, 1994: 2). محوطه دستکنند قدمگاه در روستای بادامیار یا قدمگاه که در ۱۲ کیلومتری جنوب شرقی آذرشهر واقع شده است (Karang, 1995: 482) (شکل ۱).



شکل ۱. موقعیت شهرستان آذرشهر (Author, 2020)

مهرپرستی نسبت دهنده نیایشگاه دستکنند قدمگاه در آذرشهر یکی از این نمونه‌های است که تاکنون پژوهش‌هایی چند در رابطه با آن انجام گردیده که متأسفانه در تمامی آن‌ها بدون آنکه خود محوطه بررسی جامعی شود؛ با ارجاع به یک منبع و تقلید صرف از آن نسخه، تلاش کلی بر آن شده تا این اثر را به عنوان یک معبد مهری معرفی نمایند؛ بنابراین اهمیت و ضرورت پژوهش دقیق باستان‌شناسی در این محوطه که بستر مناسبی برای مطالعه نیایشگاه‌های صخره‌ای است، بیشتر تأکید می‌گردد.

### پیشینه مطالعاتی پژوهش

محوطه قدمگاه آذرشهر در سال ۱۳۴۶ خورشیدی توسط هیأت مشکل از سیفاله کامبخش‌فرد، محمود موسوی و ذبیح‌الله رحمتیان مورد بازدید و مطالعه قرار گرفت، کامبخش‌فرد در مقاله‌ای با عنوان «بررسی‌های باستان‌شناسی آذرشهر و مراغه» از این فضای دستکنند با عنوان یک فضای آبینی متعلق به سده میانی اسلام نام برده است (Kambakhshfard, 1994: 145) و لفرام کلایس سرپرست هئیت باستان‌شناسی آلمانی از این محل بازدید کرد و کاربری آن را انبیار آذوقه در دوره پیش از تاریخ در نظر گرفت (Kleiss, 1972:176-178). پرویز ور جاوند، در سال ۱۳۵۲ فرضیه نو پیرامون ماهیت کاربری فضای دستکنند قدمگاه مطرح کرد. به عقیده ور جاوند این فضای دستکنند، معبد مهری است (Varjavand, 1976)، هرچند نظریه ور جاوند بدون دلایل و شواهد کافی است، مورد استقبال پژوهشگران بعدی قرار گرفت. غیر از کامبخش‌فرد، کلایس و ور جاوند که سه نظریه متفاوت در مورد دستکنند قدمگاه آذرشهر ارائه داده‌اند، عمرانی و مرادی در مقاله‌ای خود این فضای دستکنند را بازمانده یک Moradi & Omrani 2020 گوردخمه از دوران ایلخانی در نظر گرفته‌اند (Omrani 2020). پژوهشگران دیگر از جمله لباف خانکی (2012)، علی جباری و فراهی‌نیا، میترا آزاد و غیره نیز به مطالعه این فضای دستکنند پرداخته‌اند. این پژوهشگران در

هر یک از لچکی‌ها نقش یک گل رُز با دوازده گلبرگ به صورت بر جسته کنده شده است. بالای تیزه قوس نیز نقش جالبی به صورت دو چند ضلعی متقاطع شبیه عدد هشت لاتین کنده شده است. ارتفاع از کف تا زیر تیزه قوس  $1/15$  متر است و از این رو برای ورود به معبد باید به طور کامل خم شد و قدم به درون گذارد. حجاری این ورودی تزئینی چنین می‌نماید که از قرن هفتم هجری کهنه‌تر نباید باشد (Varjavand, 1976: 5) (شکل ۲).

فضای اصلی قدماگاه به فرم مخروطی که قطر دایره قاعده آن بین  $15$  تا  $15/70$  متر در نوسان است، ارتفاع مخروط  $12/30$  و قطر دهانه نورگیر بالای مخروط  $10/5$  سانتی‌متر است (شکل ۳) تنها در بدنه سمت راست یک قاب مستطیل شکل واقع گشته که درون آن یک قوس تیزه‌دار و سه فرورفتگی به شکل مقرنس ایجاد شده است (Varjavand, 1976: 6). بر روی دیواره جنوبی یعنی قبله، محراب تراشیده شده است (Kleiss, 1972:177). بر روی دیواره مدور طاقچه‌های کوچکی برای استقرار شمع و چراغ به منظور روشنایی ایجاد شده که در سطح دیواره فضای دستکدد آثار و شواهدی از تراش باقی‌مانده است (Kambakhshfard, 1994: 5). کف معبد به وسیله سنگ‌های بزرگ صیقل خورده پوشانده شده است و شواهدی از ملاط در میان سنگ‌ها نمی‌توان مشاهده کرد. روشنایی درون فضای دستکند به وسیله منفذ دور ایجاد شده در مرکز گنبد و پیه‌سوز تأمین می‌شد. این اثر دستکند در سال ۱۳۴۷ از سوی وزارت فرهنگ و هنر با شماره ۷۷۹ در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسید (Sattarnezhad, 2016: 58).

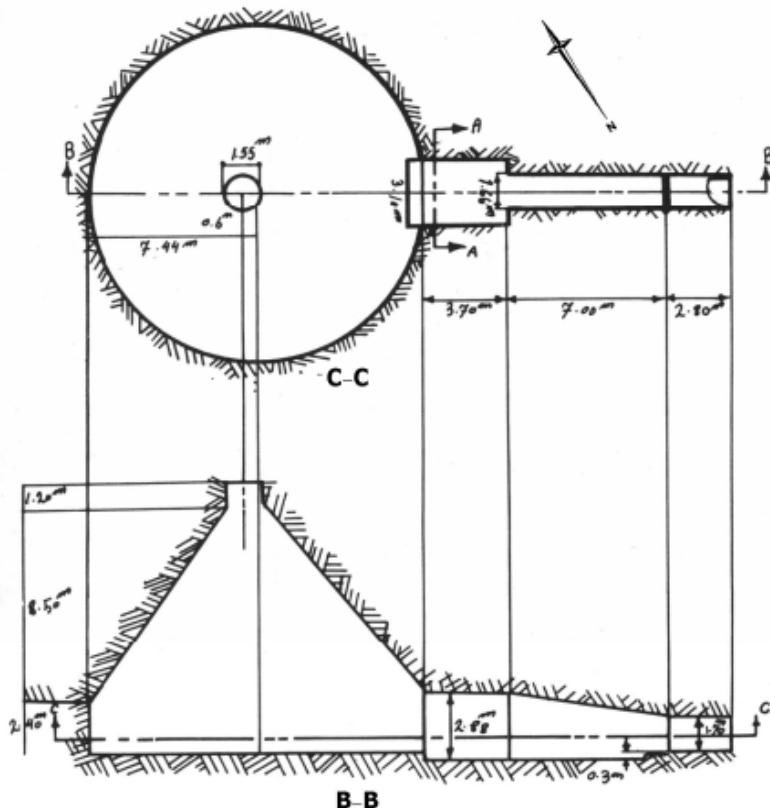
### توصیف و معرفی نیایشگاه صخره‌ای قدماگاه

نیایشگاه صخره‌ای قدماگاه در فاصله  $40$  کیلومتری آذرشهر قرار دارد (Alijabari & Farahi nia:2017,1036). این نیایشگاه به صورت Labaf Khanaki, 2012: (101). نزدیک‌ترین آبادی به این معماری صخره‌ای، روستای بادامیار (قدماگاه) است؛ که در فاصله  $1$  کیلومتری سمت شرقی آن و  $4170\cdot345\cdot00$  متر شرقی و  $589461\cdot00$  متر شرقی و  $1554$  متر از سطح دریا واقع شده است. محوطه دستکند قدماگاه در دامنه شیب کوه و بستر سنگ رسوبی ایجاد شده که امروزه با عنوان معبد قدماگاه شناخته می‌شود. در پای صخره، رودخانه‌ای جریان دارد و آبشاری کوچک از صخره آن- سوی رود به داخل آن می‌ریزد (Azad, 2005: 52).

فضای دستکند مورد بحث درگاه سنگی دارد که از آن وارد دهليزی باریک شد، در فاصله دو متری، یک طاق سنگی که ظاهر طاق درون سنگی قدیمی غار بوده، قرار گرفته است. این طاق قابل مقایسه با طاق محراب مصلی آذرشهر می‌باشد که در دوره ایلخانی تراشیده شده است. از این طاق تا درون غار باید راهرو ده متری باریکی را پیمود. ناگفته نماند که پای طاق سنگی هر دو کمی از سطح زمین بلندتر است که مانع ورود آب به درون فضا شود (Karang, 1995: 490). قاب سنگی مذکور مرکب است از دو پایه و یک قوس سنگی که بر روی آن قطعه سنگی که بر روی دو پایه قرار دارد، چنان تراش داده شده که بالای ورودی را به صورت یک قوس تیزه‌دار با دو لچکی در دو جانب آن در آورده است. بر روی



شکل ۲. دهانه ورودی نیایشگاه قدماگاه (Author, 2020)



شکل ۳. پلان و مقطع نیایشگاه قدمگاه آذرشهر (Varjavand, 1976).

دیواره‌های سنگ‌های ساده فقط اسم صاحب قبر و تاریخ فوت نقر گردیده است. سنگ‌قبرهای این گورستان عمدتاً متعلق به امراء، عرفان و مشایخ می‌باشد. با عنوان مثال در حاشیه سنگ قبری عبارت «کلشی هالک الاوجهه وله الحکیم و الیه ترجعون، هذا روضه المرحوم المغفور الشیخ الاعظم الاکرم غفرانللہ ذنویه علیجناب پیرطاهر بن پیرمیرحسین رحمة الله عليه، سنه ... تسعماهه هجری» نقش بسته است (Karang, 1995: 483) (شکل ۴).

### قبوستان محوطه

گورستان روستای بادامیار یا قدمگاه در ۱۲ کیلومتری جنوب شرقی آذرشهر و مجاور نیایشگاه دستکند بر قراز تپه‌ای بزرگ قرار گرفته است. سنگ‌نبشته‌ها و مجسمه‌هایی قوچ، شیر و کتیبه‌هایی روی الواح سنگ‌قبرها با خطوط کوفی و ثلث از آثار تاریخی مهمی است که در این گورستان به چشم می‌خورد (Pourrajabi, 2004: 149). بر حاشیه فوقانی



شکل ۴. قبرستان تاریخی محوطه نیایشگاه دستکند (Author, 2020)

بایستی فضای دستکند مورد بحث را با معابد مهری کشف و شناسایی شده مقایسه نمود. تاکنون در اروپا و آسیای جنوب‌غربی بیش از چهارصد اثر تاریخی مرتبط با آیین میترائیسم کشف و شناسایی شده (Clauss, 200:21) که نقشه این مهرابها به شکل مستطیل کشیده‌ای است عمدها سه بخشی می‌باشد، بخش نخست پیش تالار، بخش دوم به صورت یک تالار طویل و بخش سوم را فضای اصلی جایگاه تشكیل می‌دهد (Labaf Khanaki, 2012: 100)، همچنین در طرفین راهروی مرکزی نیمکت‌های سنگی طویل وجود دارد (50) (Vermazern, 2004: 50). در معابد مهری و برخی از محوطه‌های دوران اشکانی عناصر تزیینی و نمادین چون نقش مار (Vermazern, 2004: 187)، تندیس مهر (Clauss, 2001, 81; Hopfe, 2008: 19)

### کارکرد فضای دستکند

یکی از فرضیات مورد پذیرش شماری از محققان، پیرامون فضاهای دستکند آیینی – دینی، کاربری آن‌ها مرتبط با آیین مهربرستی است (Homayoun, 1972: 87). معمولاً ساختار صخره‌ای (غار) نیایشگاه‌های اروپایی (Beck, 2006, 10) گویی برخی از پژوهشگران و نویسنده‌گان ایرانی درباره انتساب نیایشگاه‌های صخره‌ای به معابد مهری است؛ اما اینان مدارک قابل قبولی برای انتساب غارهای فوق به مهر، ارائه نکرده‌اند (Rahbar, 2013: 29). با این وجود، نخستین فرضیه پیرامون فضاهای نیایشگاهی دستکند، ارتباط آن‌ها با آیین مهربرستی و دوره تاریخی ایران است. با فرض پذیرش این کارکرد، زمان ایجاد نیایشگاه دستکند قدمگاه به دوره اشکانی باز می‌گردد (Biscione, 2006: 303)؛ بنابراین برای تأیید یا رد این کاربری

این نیایشگاه با معابد مهری را نشان می‌دهد (جدول ۱). در هر صورت، بنابر آنچه گفته شد نیایشگاه دستکند قدمگاه، نیایشگاهی متفاوت از معبد مهری است و دلایل پژوهشگران در انتساب این نیایشگاه به آیین مهرپرستی فاقد دلایل کافی و قابل استناد است.

(شیر، پدر، سرباز، کلاح و غیره) و موزاییک کاری کف معابد کشف و شناسایی شده که نمونه مشابه آن، در نیایشگاه دستکند قدمگاه، تاکنون شواهدی از این عناصر تزیینی و هنری و نمادین گزارش نشده است؛ بنابراین مقایسه سازمان و الگوی فضایی، سیرکولاسیون، سلسه مراتب فضایی، تزیینات معماری و اسناد تاریخی، تفاوت‌های آشکاری میان

جدول ۱. مقایسه شباهت و تفاوت نیایشگاه قدمگاه با میترائیوم‌های باقی‌مانده در اروپا (Author, 2020)

نیایشگاه‌ها	موقعیت مکانی	فرم	سازمان فضایی	سلسله مراتب فضایی	مجاورت فضایی	تزیینات معماری
میترائیوم‌های رومی	قرارگیری در کنار رودخانه و چشمۀ غار مانند دارند	فرم و شکل	سازماندهی کلی	الگوی مراتب فضایی	اغلب معابد مهری دارند.	تقرباً تمام
قدمگاه آذرشهر	کنار نهر آبی فرم غار است.			دارای سلسه مقدس باشد با یک یا چند پله از فضای قبلی ارتفاع می‌یابد.		رومی دارای هستند.
						رومی دارای هستند.
						رومی دارای هستند.

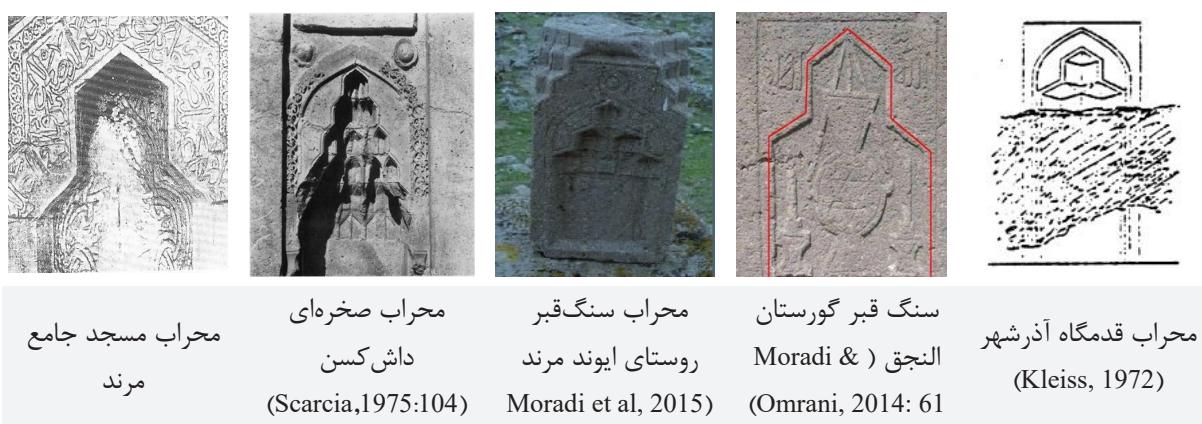
استفاده از بنای دستکند قدمگاه آذرشهر کاستی‌های زیادی دیده می‌شود. محققان در تاریخ‌گذاری این نیایشگاه، به عناصر معماری و تزیینی ایجاد شده و زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی منطقه توجه کمتری داشته‌اند. همان‌طور که اشاره شد زمان ایجاد نیایشگاه، به دوره پارتی در نظر گرفته شده است (Biscione & Khatib shahadi, 2006:303). حال آنکه در ایجاد نیایشگاه دستکند در دوره پارت شک و تردید بسیاری وجود دارد. این امر از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است: نخست، بین معماری این نیایشگاه با بنای‌های دوره پارتی تفاوت‌های دیده می‌شود. پوشش سقف فضاهای دستکند دوران تاریخی چون ارزان‌گوی همدان

رهیافت تاریخ معماری نیایشگاه دستکند در بررسی آثار دستکند، پی بردن به زمان ایجاد و دوره‌های زمانی استفاده از آن‌ها اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. تعیین زمان اولیه ایجاد مجموعه‌ها جز در مواردی که کتیبه یا نوشته همراه داشته باشد، عملًا مقدور نیست؛ اما می‌توان دوره‌های زمانی استفاده از این آثار را با استفاده از شیوه‌های مختلف تشخیص داد، از جمله کاوش‌های باستان-شناختی، شواهد معماری (نوع پوشش‌ها سقف فضاهای تزیینات معماری) به طور تقریبی به دوره‌های زمانی آن پی-برد (Mohammadifar & Hematiazandaryani, 2016: 109). حال آنکه در تاریخ‌گذاری زمان ایجاد و دوره‌های زمانی

معصوم ورجوی این قبیل پوشش‌ها را بعد از دوره ایلخانی بهخصوص صفوی دانسته است (Ball, 1979). سایر عناصر معماری این فضای دستکنند همانند تزیینات درگاه ورودی و محراب مربوط به دوران اسلامی است (5: 1976; Varjavand, 1976): بنابراین شواهدی از دوران تاریخی بهخصوص (شکل ۵)؛ بنابراین شواهدی از دوران تاریخی بهخصوص اشکانی در این اثر صخره‌ای قابل مشاهده نیست؛ همچنین در بررسی باستان‌شناسی محوطه پیرامون نیایشگاه صخره‌ای، آثار و شواهدی از دوران اسلامی قابل مشاهده است؛ بر همین اساس شواهدی دال بر انتساب این نیایشگاه به دوران تاریخی ایران نمی‌توان در نظر گرفت.

واقعی و حوادث تاریخی ایران دلیل دیگری بر اثبات ایجاد نیایشگاه صخره‌ای قدمگاه در دوره اسلامی است، زیرا بر اساس متن کتبیه کعبه زردشت، کرتیر دستور ویرانی معابد سایر آدیان را داده است (Akbarzadeh, 2006: 89)، با توجه به وجود آتشکده مهم آذربایجان و اهمیت این منطقه در دوره ساسانی برای طبقه حاکم آن دوران داشته است در نتیجه، پذیرش این امر بسیار دشوار و دور از ذهن می‌نماید که این نیایشگاه در دوره پارتی ایجاد شده و بدون تغییر و آسیب واردہ تا دوره معاصر باقی‌مانده و مداوم مورد استفاده قرار گرفته است.

(Khaksar & Hematiazandaryani: 2012: 498) (Mohammadifar & Islahi, 2016: 75) (Hematiazandaryani, 2016: 105) است؛ که در نیایشگاه قدمگاه پوشش فضا به صورت گنبد ایجاد شده است (Alijabari & Farahinia, 2017: 1036) روند شکل‌گیری پوشش گنبد در تاریخ معماری ایران از Zamani, (1973: 48) اواخر دوره اشکانی و اوایل دوره ساسانی آغاز شده (Nigmati et al, 2019) و نخستین نمونه‌های آن در بنای همچون کاخ اردشیر در فیروزآباد و قلعه دختر به کار رفته است. هرچند احتمالاً چنین گنبدی‌هایی کوچکتر یا مشابه، قبلًاً توسط روستان‌نشینان با خشت ساخته شده بود ولی نمونه‌های آن از بین رفته است. در دوره اسلامی نمونه آجری گنبد در بنای مذهبی همچون مساجد و مقابر به صورت فراگیر مورد استفاده قرار گرفته است. گنبد صخره‌ای قدمگاه از نظر نحوه تراش و پهنا بسیار شبیه به پوشش گنبد فضاهای دستکنند امامزاده معصوم مراغه (Sattarnezhad et al, 2020) و آبازر نیر (Mirfatah & Shekariniri, 1996)، بنای خورموج (Parhizkari & Maraghi, 2015: 99) و قلات حیدری (Ball, 1987: 98) و طبلشکین خرقان (Varjavand, 1976: 5) است. وارویک بال در بررسی مجموعه دستکنند امامزاده

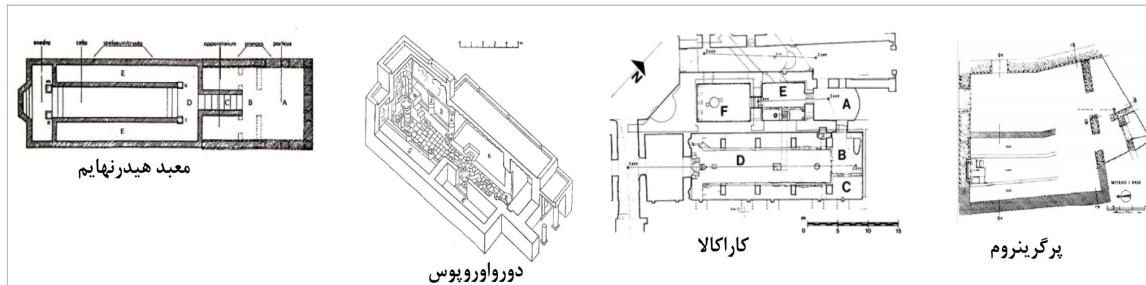


شکل ۵. فرم محراب صخره‌ای قدمگاه با نمونه‌های مشابه بنای دوره ایلخانی (Author, 2020)

## بحث

et al, 2018: 79) با این حال ویژگی بارز صخره‌ای و غار مانند بودن معابد میتراپی در اروپا، سبب شده است که هر فضای معماری که در ایران با سبک و سیاق پدید آمده را معبد مهری معرفی کنند (Labaf Khanaki, 2012: 101); که مقایسه پلان، ساختار فضایی و عناصر موجود به خصوص تندیس مهر در مهرابه‌های اروپا، تفاوت آن‌ها را با معابد منتبث به مهر در ایران را نشان می‌دهد. به‌طوری که مهرابه‌ها بسیار درویشانه و با معماری یکسان بنا شده و برای مهریان ظاهرًا، جائی بیش از یک مکان ستایش و یا قربانی مستمر بوده است (Shorthaim, 1993: 113). بر این اساس بیشتر مهرابه‌های یافت شده در کشورهای اروپایی در قرن-های دوم و سوم میلادی ساخته شده‌اند و ساختار کمابیش همانندی دارند. نقشه این مهرابه‌ها به شکل مستطیل کشیده‌ای است که محور طویل نیمی از آن‌ها در راستای شرقی - غربی و نیمی دیگر در راستای شمالی - جنوبی است (Soltanzadeh et al, 2011: 64). بنابراین الگوی سازمان‌دهی کلی فضاهای در میتراپیوهای رومی و مهرابه‌های ایرانی به‌صورت خطی می‌باشد (Labaf Khanaki, 2012: 104)، همچنین بنای زیرزمینی و مذهبی در دوره پارت، شامل مهرابه‌ها (میترائوم) است که دارای طرح و کالبد مستطیل و شناخته شده‌ای است که در مدخل مهرابه نقش گاوکشی مهر، نماد این جایگاه مذهبی است (Kambakhshfard, 1994: 173). نظیر چنین میترائیوهایی در فرانسه (بورسنت آندئول)، آلمان (شوارتزدن)، یوگسلاوی (کاوتات اپیدورم)، معبد هیدرنهایم، کاراکالا، دوراوروپوس، پرگرینروم شناسایی شده است (Labaf Khanaki, 2012: 97) (شکل ۶). پلان نیایشگاه قدمگاه آذربایجان برخلاف این مهرابه‌ها، به‌صورت فضای مدور گنبدی شکلی است (Shekari niri, 1993: 20) که همین عامل یکی از مهم‌ترین تفاوت این فضایی آیینی - دینی با مهرابه‌های فوق است.

ساختار صخره‌ای (غار) نیایشگاه‌های اروپایی، الگوی برخی از پژوهشگران و نویسنده‌گان ایرانی درباره انتساب نیایشگاه‌های صخره‌ای به معابد مهری است (Sattarnezhad, 2016: 43؛)؛ با این حال، این پژوهشگران مدارک قابل قبولی برای انتساب غارهای فوق به مهر، ارائه نکرده‌اند (Rahbar, Varjavand, 1976: 29). بر همین اساس ورگاند (Varjavand, 2013: 29) در پژوهش خود پیرامون نیایشگاه صخره‌ای قدمگاه بدون ارائه دلایل کافی و قابل اتفاق، مهرابه بودن نیایشگاه را مطرح کرد الگوی که پژوهشگران بعدی به پیروی از نوشته ایشان، این نیایشگاه را به عنوان یک معبد مهری معرفی کرده‌اند؛ (Labaf Khanaki, 2012: 101؛ Shekari niri, 1993: 20) Alijabari .2017 ,Biscione & Khatib shahadi,2006:29 (& Farahi nia) که نه از نظر مقایسه‌ای و استنباطی صحیح می‌باشد و نه از نظر باستان‌شناسی قابل قبول است. آثار صخره‌ای بنا بر ضرورت و نیاز جوامع انسانی در آدوار مختلف و موقعیت‌های خاص و متفاوتی توسط انسان به وجود آمده (Sattarnezhad et al, 2020: 54) که دارای کاربری‌های متفاوتی از جمله: محل سکونت، پناهگاه، انجار غلات و علوفه، محل نگهداری حیوانات و کاربری‌های دیگری بوده‌اند (Basafa et al, 2017: 38) پاسخگویی به نیازهای اقلیمی بشر (Mohammadifar & Hematiazandaryani, 2016: 97) ایجاد شده است. در واقع می‌توان گفت محل اصلی معماری صخره‌ای حوزه سهند، لایه وسیع توف آتش‌فشانی گستردۀ شده در دامنه کوه‌های سهند است که روستاهای آبادی‌ها و استقرارهای این منطقه را در خود جای داده‌اند. وجود چنین وضعیتی به واسطه لایه‌های توف‌های آتش‌فشانی کارپذیر و قابل حفاری، دامنه‌های کوه سهند را از هزاره‌های پیشین مأمن و مسکن گروه‌های انسانی ساخته است (Razani et al, 2016: 45). بر همین اساس عامل مهرپرستی را نمی‌توان مهم‌ترین دلیل در شکل‌گیری فضاهای صخره‌ای در نظر گرفت (Sattarnezhad



شکل ۶. طرح برخی معابد مهری شناسایی شده در اروپا (Labaf Khanaki, 2012).

وجود محراب در داخل فضای دستکنند قدمگاه (Kleiss, 1972) نشانگر کاربری نیایشگاهی فضا در دوران اسلامی است. بر اساس منابع تاریخی (Rawdat al-Jannan, 72-73: 72-73) و شواهدی باستان‌شناسی، آذرشهر جایگاه مهمی در مقوله تصوف و عرفان دارد، به طوری که در دوره ایلخانی این منطقه عارفان بزرگی داشته که شاهد این مدعای قبرستان‌های باقی‌مانده از آن دوران است؛ از جمله قبرستان محراب مصلی (Karang, 1995: 510)، قبرستان تورامین و پیرحیران، قبرستان مجاور نیایشگاه قدمگاه است. همان‌طوری که اشاره گردید سنگ‌نبشته‌ها، حجاری‌ها و مجسمه‌های متنوع در قبرستان قدمگاه به چشم می‌خورد (Kleiss, 1972). سنگ‌ها و الواح قبور به دو خط کوفی و ثلث نوشته شده‌اند. بر دو گوشه سنگ قبور خواجه علی و پیر چوپان عبارت (لا اله الا الله) و (محمد رسول الله) و در زیر عبارت اول اسم خواجه علی در زیر عبارت دوم اسم پیر چوپان کند شده است. خواجه علی از مردم خوی به خدمت خواجه یوسف دهخوارقانی رسید و ارادت نمود؛ مرتبه بلندی احراز کرد. خواجه ابواسحق ابراهیم مشهور به پیر چوپان برادرزاده خواجه یوسف دهخوارقانی بود که در نزد خواجه علی تربیت یافت و به درجه کمال رسید. وی هفت زاویه در تبریز و دهخوارقان و اطراف آن بنا کرد و سرانجام در سال ۷۲۴ هجری در ایام سلطنت سلطان ابوسعید خان بهادر درگذشت. از سنگ‌نبشته‌ها بر می‌آید که خواجه علی بادامیاری در سال ۶۹۹ هجری قمری درگذشت است (Khamachi, 1972: 39) همچنین از سنگ‌نبشته‌های مقابر مشایخ نیز می‌توان به

بر اساس مطالعات و بررسی‌های باستان‌شناسی انجام شده در فضاهای صخره‌ای؛ هیچ یک از شواهدی که در میترائیوم‌های رومی یافت شده، در این نیایشگاه شناسایی نشده است (Labaf Khanaki, 2012: 100-101); بنابراین مدارک قابل قبولی برای انتساب این غارها به مهر، وجود ندارد (Rahbar, 2013: 29). تاکنون با وجود کاوش‌های باستان‌شناسی در فضاهای صخره‌ای از جمله ارزانفود همدان (Hemmatiazandariani, 2013)، غار نیاسر کاشان (Khaksar Razmjou & Tafreshi, 2010)، نوش‌آباد کاشان، سفید شهر، تپه قلعه و سایر محوطه‌های مشابه، شواهد و مدارک مربوط به آیین مهرپرستی کشف و شناسایی نشده است.

در رابطه با کاربری فضای دستکنند برخلاف پژوهش‌های پیشین سندی دال بر مهرابه بودن در دست نیست، همان‌طوری که قبل‌اشاره شد صرفاً غار و صخره‌ای بودن مجموعه دلیل کافی برای مهرابه بودن نیایشگاه نمی‌تواند باشد بنابراین برای تبیین کاربری فضای دستکنند قدمگاه از رویکرد باستان‌شناسی فضایی بهره گرفته شد؛ بنابراین در این مقاله تلاش شده تا به گردآوری کلیه شواهد و مدارک موجود در رابطه با کاربری فضای در محیط درونی و بیرونی آن پرداخته شود که شامل محراب، قبرستان محوطه، فرم طاق سر در بنا و بستر تاریخی و فرهنگی و اجتماعی منطقه آذرشهر در طول تاریخ است؛ بنابراین با در دست داشتن عناصر فوق و مقایسه آن با نمونه‌های مشابه به نتایج مطلوبی می‌توان دست یافت.

همچنین در تداوم رویکرد ایلخانان به تصوف، ابن بزار در توصیف ارادت اوسعید به صفوی‌الدین اردبیلی می‌نویسد: شیخ Ibn با پادشاه سخن همچنان می‌گفت که با کودکی گویند (Bazzaz, 1998: 280)؛ بنابراین با توجه به تاریخ سنگ‌قبرها که عمدتاً مربوط به سده ۸ هجری است، فرم گنبد و طاق سنگی سردر این نیایشگاه را مربوط به تحولات سیاسی – اجتماعی دوره ایلخانی (بعد از غازان‌خان) می‌توان در نظر گرفت. این محوطه دینی – آیینی همانند محوطه امامزاده معصوم مراغه (Kambakhshfard, 1994) و اباذر نیر (Mirfatah & Shakariniri, 1996) به تدریج با افول تصوف در دوره صفوی تبدیل به مسجد (Varjavand, 1976: 8) و محوطه تدفینی شده است.

### نتیجه‌گیری

بر اساس مطالعات انجام شده در این پژوهش، تنها شباهت موجود میان نیایشگاه دستکنند قدماً و دستکنند (غار) بودن مجموعه است. همان‌طوری که اشاره گردید، معماری دستکنند در هر منطقه به دلایل اقلیمی و شرایط زیست‌محیطی دارای ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی است؛ که بر اساس زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و کالبدی اقلیمی و شرایط خاص آن ناحیه شکل می‌گیرد. تنها بخشی از معماری صخره‌ای کاربری آیینی دارد؛ بنابراین صرفاً با در نظر گرفتن یک ویژگی نمی‌توان نیایشگاه‌های صخره‌ای را به آیین مهرپرستی منسوب کرد. با این وجود، نگاهی موشکافانه‌تر به جزئیات نیایشگاه صخره‌ای قدماً، چنانکه در بالا به موارد مهمی از آن اشاره گردید، نکات ناگفته بسیاری را آشکار ساخته است. در پژوهش حاضر نگارنده با ارائه دلایلی چون ۱- سبک پوشش گنبدی فضا که قابل مقایسه با گنبدهای دوران اسلامی بهخصوص دوران ایلخانی و پس از آن است؛ ۲- وجود محراب در دیواره جنوبی فضا که نشانگر جهت قبله است؛ ۳- شواهد باستان‌شناسی چون سنگ‌قبرها و شکل سر در فضا که تعلق آن‌ها به قرون میانی اسلامی نشان می‌دهد؛ ۴- مطالعه تطبیقی پلان

کتبه قبر پیرطاهر بن پیرمیرحسین چوپانی و قبربابا شیخ چوپانی اشاره کرد (Karang, 1995: 487). بر اساس قبور مشایخ اطراف نیایشگاه می‌توان حدس زد که بنای مذکور، محل خانقه و زاویه عرفان و مشایخی چون پیر چوپان، خواجه علی و دیگر مشایخ مشهور منطقه آذرشهر بوده (Sattarnezhad et al, 2020: 159) منابع عرفانی ذکر شده است (Rawdat al-Jannan, 1970/2: 72)، بر همین اساس این نیایشگاه به عنوان عزلتگاه عرفان و مشایخ معروف بوده که قبرستان اسلامی در کنارش حکایت از آن دارد (Shekari niri, 1993: 20). هرچند که خانقاها دارای ساختارها و فضاهای خاص از جمله داشتن محل چله‌خانه و ریاضت است که احتمالاً فضاهای چله‌خانه به مرور تخریب شده یا زیرآواری از خاک مدفون شده است.

خانقاها برخلاف مدرسه‌ها به شهرهای بزرگ اختصاص نداشت. مشایخ تصوف معمولاً در بیرون از شهرها در آبادی‌های دور دست زندگی می‌کردند و هر جا پیری بود خانقاها نیز وجود داشت و خانقاها مناسب‌ترین جا برای مسافران بود. گرچه پیدایش و گسترش مفهوم خانقه در قلمرو کشورهای اسلامی امری است که تاریخ معینی بر آن نمی‌توان یافت؛ زیرا خانقا به مفهوم محلی برای آسودن و اعتکاف، همیشه وجود داشته و قدر مسلم این است که در قرن چهارم اماکنی برای تجمع صوفیان در بسیاری از شهرها و روستاهای وجود داشته است (Ibn Munawwar, 1992: 127). در دوره ایلخانی با رواج اسلام و تدین ایلخانان به دین اسلام و تمایلشان به تشیع، تصوف را در این دوره تقویت کرده و در ایجاد و توسعه خانقاها و توجه به اهل تصوف مؤثر بوده است (Mortazavi, 1991: 188) به طوری که گرایش غازان‌خان به اسلام و حمایت گسترده‌ی وزیرش رسیدالدین فضل‌الله از مشایخ صوفی، فصل نوینی را در گسترش تصوف گشود. غازان‌خان که مرید شیخ زاهد گیلانی بود (Ibn Bazzaz, 1998: 38-39)، در ایام دولت آن پادشاه عالی همت به موجب فرمان او در جمیع فری و قصبات ولایات عراقین و فارس و کرمان و آذربایجان حمامات و مساجد و خوانق ساختند (Khandmir, 2001/3: 189).

### پی‌نوشت

باستان‌شناسی فضاها تلاشی است علمی در جهت بازیافت اطلاعات از ارتباطات فضایی و همچنین الگوهای رفتاری انسان در ارتباط با فضاهایی معماری و شبکه‌های درون سایتی و برون سایتی پیرامون آن‌هاست (Karimian, 2005: 112-113).

حافظ حسین کربلایی روایت کرده است: «حضرت خواجه یوسف دهخوارقانی در نگه داشتن چند چیز به برادرزاده خود وصیت کرده بود. یکی خرقه حضرت رسول ... یکی دیگر کوه بادامیار و آنگاه خود اظهار نظر کرده که غرض از سفارش کوه بادامیار، قری، مبارکه بادامیار است که همیشه در آن جا اهل الله ساکن بوده‌اند الی یومنا هذا چه از اولاد حضرت پیرچوپان ولی و چه غیر ایشان ...» (Rawdat al-Jannan, 1970: 79-80)).

### سپاسگزاری

از تمامی کسانی که نویسنده را در انجام پژوهش حمایت کرده‌اند، سپاسگزاری می‌شود.

### منابع مالی

منابع مالی این مطالعه توسط نویسنده تهیه شده است.

### تعارض منافع

این مقاله پژوهشی مستقل است که بدون حمایت مالی سازمانی انجام شده است. در انجام مطالعه‌ی حاضر، نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافعی نداشته‌اند.

و شواهد باقی‌مانده از آیین مهرپرستی در معابد مهری شناسایی شده در مناطق مختلف با نیایشگاه قدمگاه، تفاوت‌های آشکاری میان آن‌ها را نشان می‌دهد. به‌طوری که پلان معابد مهری مستطیلی بوده و عناصر تزینی و نمادین چون نقش مار، پیکره مهر، کلاع و غیره در آن‌ها باقی‌مانده است. این در حالی است، که پلان نیایشگاه قدمگاه به‌صورت مدور بوده و فاقد هرگونه عناصر مهرپرستی است. ۵- مطالعه و تحلیل در اوضاع سیاسی و مذهبی منطقه آذربایجان ایران به‌خصوص شهرستان آذرشهر در دوران اسلامی نشان می‌دهد که تصوف در این منطقه در دوران ایلخانی و پس از آن از جایگاه مهمی برخوردار بوده است. به‌طور کلی دلایل بالا نشان می‌دهد که نیایشگاه قدمگاه برخلاف باور پژوهشگران پیشین، در دوران پارتی تراشیده نشده است؛ بلکه این نیایشگاه در دوران اسلامی (ایلخانی) ایجاد شده است.

آنچه در پژوهش حاضر مسجّل شد؛ معماری صخره‌ای آیینی - دینی در دوران اسلامی با ورود مغولان و گسترش تصوف خانقاھی رونق پیدا کرد و فضاهایی دستکنند زیادی در منطقه شمال‌غرب ایران شکل گرفت. اگرچه هنوز هم تعیین تاریخ دقیق و بی‌کم و کاست این اثر و نمونه‌های مشابه در سایر مناطق به‌طور قطعی ناممکن است، به گمان نگارنده، با توجه به مواردی که پیش‌تر گفته شد، نیایشگاه دستکنند قدمگاه آذرشهر، قدمت اسلامی دارد که در راستای سیاست‌های گسترش تصوف در دوره ایلخانی شکل گرفته است. در انتهای آن است که این مطالعه راهگشای پژوهش‌های نوینی برای گاهنگاری و تبیین کارکرد دقیق‌تر دیگر معابد دستکنند منتسب به آیین مهر، در ایران باشد.



## References

- Akbarzadeh, Dariush (2006), Carter Inscriptions of Priests, Tehran: Pazineh, [Persian].
- Alibaigi, S., Bisotuni, A. M., Rahimi, F., Khosravi, S., & Alibaigi, H. (2017). The Late Sasanian Treasury of Qourri Qaleh Cave: Votive Offerings for a Mithra Temple in Kermanshah, Western Iran. Iran, 55(2), 227-252. [[DOI:10.1080/05786967.2017.1355515](https://doi.org/10.1080/05786967.2017.1355515)]
- Alijabari, Zohre & Farahi nia, Amir hossein (2017), Analyzing Architecture of Mithraism Rock Temples, History Culture and Art Research, 1030 - 104. [[Article](#)] [[DOI: 10.7596/taksad.v6i3.975](https://doi.org/10.7596/taksad.v6i3.975)]
- Azad, Mitra (2005), Iranian Rock Shrines, Book of the Moon and Art, pp. 62-46.
- Basafa, Hassan, Mohammad Sadegh Davari and Mohammad Hossein Rezaei (2017), Investigation and analysis of the use of hand-carved spaces on the outskirts of Varton Spa, Isfahan Province, Bagh-e Nazar Magazine, Volume 14, Number 52, pp. 48-37. [Persian]. [[Article](#)]
- Beck, R. L (2006), The Religion of the Mithras Cult in the Roman Empire. [[DOI:10.1093/acprof:oso/9780199216130.001.0001](https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780199216130.001.0001)]
- Biscione R, Khatib Shahidi (2007), Iranian-Italian, archaeological survey in Eastern Azerbaijan, provisional report on the 2006 -2006 field season, Tehran, vol I, PP 25-34
- Clauss, M (2000), The Roman Cult of Mithras: The God and His Mysteries, Translated by Richard. [[Book](#)]
- Common, Franz (2007), Din Mehri, translated by Ahmad Ajoudani, Tehran: Third.
- Hemmatiazandariani, Ismail and Ali Khaksar (2013), A Look at Archaeological Research, Hamedan Cheap Food Underground Architecture Collection, Proceedings of the Third International Conference of Young Archaeologists, Tehran: Book Heritage Publications. [Persian].
- Homayoun, Gholam Ali (1972), Kandovan village, historical studies, year 12, number 1, pp. 215-214. [Persian].
- Hopfe, L.M., (2008). Archaeological Indications on the Origins of Roman Mithraism. Uncovering Ancient Stones: Essays in Memory of H. Neil Richardson, pp.147-58.
- Hozhabri, Ali (2018), "Study of a part of the architecture of Dastkand Cave of Kerft; Mehrkadeh of the Persian Cave ", in: Autumn Exchange; Celebration-letter of Dr. Mohammad Rahim Sarraf, by Shahin Ariamanesh, Tehran: Cultural Heritage and Tourism Research Institute, First Edition, pp. 331-354
- Ibn Bazzaz, Darwish Tawakul Ibn Ismail Ibn Haji Tavakoli Ardabili (1998), The Basis of Sunni Religions in the Positions of Sufism or Safwat Al-Safa, edited by Ghulam Reza Tabataba'i Mujjid, Tehran: Zaryab. [Persian].
- Ibn Munawwar, Mohammad (1992), The Secrets of Unity in the Authorities of Sheikh Abu Saeed, Corrections and Comments by Mohammad Reza Shafi'i Kadkani, Third Edition, Tehran: Agah. [Persian].
- Islahi, Vahidreza (2016), Preservation and Restoration of Dastkand Samen Architecture, with emphasis on reviving its main entrance, Master Thesis in Restoration and Restoration of Historic Buildings and Textures, Isfahan University of Arts, has not been published. [Persian].
- Kambakhshfard, Saifullah (1994), Archaeological Surveys of Azarshahr and Maragheh, another article about the construction of several monasteries and mosques, Journal of Cultural Heritage, No. 12. [Persian].
- Karang, Abdolali (1995), Historical Monuments of Azerbaijan, Tehran: Works Association. [Persian].
- Karimian, Hassan (2005), The Necessity of Utilizing New Theories in the Analysis of the Spatial Structure of Ancient Textures, Journal of the Faculty of Arts and Humanities, University of Tehran, No. 56, 121-111. [Persian].
- Khamachi, Behrooz (1972), Azarshahr Dehkharkan, Tehran: Farhang Publications. [Persian].

- Khandmir (2001), History of Habib Al-Seer, Volume 3, edited by Mohammad Dabir Siyaghi, Tehran: Khayyam. [Persian].
- Kleiss, Wolfram (1972), Qadamgah in Azerbaijan, Bericht über Erkundungsfahrten in Iran im Jahre, AMI, 176-178.
- Kleiss, Wolfram (1975), Archaeological Reports in Iran, translated by Soroush Habibi, Tehran: Translation and publication of the book.
- Labaf Khanaki, Meysam (2012), Comparative Analysis of a Special Form in Dastkand Architecture, Journal of Works, No. 58, pp. 108-94. [Persian].
- Maraghi, Somayeh and Mehrzad Parhizkari (2015), Dastkand Architecture in Kharqan Qazvin Region, Journal of Works, No. 70, pp. 108-93. [Persian].
- Mirfatah, Ali Asghar and Javad Shekari niri (1996), Abazar Rock Village, work, Nos. 26 and 27, pp. 85-60. [Persian].
- Mohammadifar, Yaqub; Hemmati Azandariani Ismail (2016), Study and study of Dastkand architecture of Iran, housing and rural environment, No. 156, pp. 110-97. [Persian].
- Moradi, A. and Omrani, B., (2020). New Horizons Towards Three Rock-Cut Tombs (13th-14th CE) from Northwest Iran. The International Journal of Humanities, 27(2), pp.53-69.
- Moradi, Amin and Omrani, Behrooz (2014), Historical Recognition and Decorations of Alaki Caravanserai, Bagh-e Nazar, No. 28, Year 11, pp. 14-3. [Persian].
- Moradi, Amin, Rasoul Mousavi Haji and Behrouz Omrani (2015), A Comparative Study of the Morphology of the Ilkhanate Altar of Azerbaijan, Proceedings of the National Archaeological Conference of Iran, Birjand: Birjand University. [Persian].
- Mortazavi, Manouchehr (1991), Problems of the Ilkhanate, Tehran: Agah. [Persian].
- Pourrajbi, Massoud (2004), Cultural Heritage and Tourism of East Azerbaijan, Tabriz: Ehsas. [Persian].
- Rahbar, Mehdi (2013), Architecture of Mehri Temples in Iran, Kondokav Magazine, No. 8, Year 5, pp. 41-28. [Persian].
- Raisinia, Rahim (1989), Azerbaijan in the course of Iranian history, Volume 1, Tabriz: Nima. [Persian].
- Rawdat al-Jannan Janat al-Jannan (1970), Hafez Hossein Karbalaei, Volume 2, Tehran: Book Translation and Publishing Company. [Persian].
- Razani, Mehdi, Seyed Mohammad Amin Emami and Alireza Baghban (2016), Classification and analysis of the use of rock architecture on the slopes of Sahand volcanic mountain in northwestern Iran, Iranian Studies, Volume 6, Number 2, 60-41. [Persian].
- Razmjou, Shahrokh and Babak Amin Tafreshi, "Niasar Cave: A Man - Made Mitra Temple, [http://www.cais-soas.com/CAIS/Archaeology/PreHistory/niasar\\_cave.htm](http://www.cais-soas.com/CAIS/Archaeology/PreHistory/niasar_cave.htm)> Accessed: 12/06/2010.
- Sattarnezhad, saeid (2016), Study and study of Dastkand architecture in Maragheh city, Master Thesis in Archeology, Mohaghegh Ardabil University, unpublished. [Persian].
- Sattarnezhad, Saeid and Shahbazi Shiran, Habib and Maroofi Aghdam, Ismail (2018), A Study and Analysis of the Applied Nature of the Rock Architecture of the Maragheh Observatory Hill, Iranian Studies, Volume 7, Number 2, pp. 92-75. [Persian].
- Scarcia, Gianroberto (1975), Vihar of Qonqor olong Preliminary Report, East and West, Vol. 25, No. pp. 99-104.
- Shekari Niri, J., (2019). Formation of the Mithraic Temples in Northwestern Iran and Comparison with Roman Mithraeums. Space Ontology International Journal, 8(4), pp.37-56.
- Shekari niri, Javad (1993), Rock Architecture in Azerbaijan and Zanjan, Journal of Architecture and Urban Planning, Nos. 22 and 23, pp. 19-19. [Persian].
- Shekari niri, Javad (2006), Imamzadeh Masoom Maragheh, the Temple of Iranian Worship and Signs in European Temples, Iranian Studies, Volume 5, Number 10, pp. 125-109. [Persian].
- Shorthaim, Almar (1992), The Spread of an Iranian Religion in Europe, translated by Nader Gholi Derakhshani, Tehran: Mehr Publications. [Persian].



فصلنامه  
علمی

قدمگاه آذربایجانی یا مهرابه اشکانی؟ | سعید ستارنژاد

Soltanzadeh, Hossein and Sima Rezaei Ashtiani (2011), Spatial Structure of European Mehrabeh Architecture, *Naghsh Jahan Magazine*, No. 1, 81-53.

Sttarnezhad, Saeid; Hajizadeh, Karim; Rezalu, Reza; Maroofi Aghdam, Ismail, (2020), "Classification and analysis of Dastkand architecture in Maragheh city", *Housing and Rural Environment*, No. 170, pp. 66-53. [Persian].

Sttarnezhad, Saeid; Omrani, Behrooz, Naseri Soomeh, Hossein; Hosseiniinia, Seyed Mehdi, (2020), "Study and classification of the ritual-religious rock architecture of Maragheh city", *Parseh Studies*, No. 11, Year 4, pp. 167 - 153. [Persian]. [[DOI:10.30699/PJAS.4.11.153](https://doi.org/10.30699/PJAS.4.11.153)]

Varjavand, Parviz (1976), Qadamgah Shrine, a sign of a seal temple and a masterpiece of Iranian rock architecture, *Iranian Journal of Architectural Culture*, No. 2 and 3, pp. 17-4. [Persian].

Vermazern, Martin (2004), Mitra Religion, Naderzadeh's great translation, Tehran: Cheshmeh Publishing. [Persian].

Warvik, Ball (1979), The Imamzadeh Masum at Vardjovi: A Rock-Cut Il-khanid Complex near Maragheh, *Archäologische Mitteilungen aus Iran Berlin*, vol. 12, pp. 329-340.

Warvik, Ball (1987), Rock cut Monuments in Southern Iran, Iran, Vol. 24, pp. 95-115. [[DOI:10.2307/4299768](https://doi.org/10.2307/4299768)]

Zamani, Abbas (1973), The Two-Cover Dome in the Decoration of Islamic Historical Monuments of Iran, *Art and People*, No. 131, Volume 11, pp. 53-43. [Persian]